

فصلنامه حقوق اداری

سال دوازدهم، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۴۱

مقاله علمی پژوهشی

رهیافت‌های راهبردی مدیریت خطر فساد اداری در گستره جرم‌شناسی مدیریتی

مهدی مهرپور خامنه^۱، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی^۲، مهدی اسماعیلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

چکیده

پدیده فساد در نظام اداری؛ کنشی آفت‌زا برای فروپاشی اخلاق، نابسامان‌کردن هم‌کنشی‌ها در نهادها و سازمان‌های اجتماعی و مانع توسعه است که نیاز به طراحی الگویی برای شناسایی، برنامه‌ریزی، ترمیم و گونه موجه رویارویی با آن است. الگوی نوین مدیریت خطر در ادبیات تخصصی جرم‌شناسی، برگرفته از مکتب فایده‌گرایی با مؤلفه هزینه-فایده امور در پی ارائه برنامه، تبیین راهبردها و تلاش سامان‌مند و اثربخش در کاهش و کنترل انواع جرم و بزهکاری در زیست اجتماعی است. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای، به‌گونه کیفی در پی پاسخ به پرسش راهبرد جرم‌شناسی مدیریتی برای مقابله با فساد اداری و تأثیر مدیریت اثربخش خطر بر عملکرد نظام اداری و پدیده فساد است. تنوع روش در مدیریت پروژه برای کاهش سیستماتیک احتمال و تأثیر فساد در نتایج پروژه از یافته‌های این پژوهش است. باتوجه به پیچیدگی و چندساحتی بودن پدیده فساد اداری در شکل تکونی و کارکردی که پیامدهای نامطلوب متعددی در زیست اجتماعی ایجاد می‌کند، الگوی راهبردی مدیریت خطر با کاربری مؤلفه‌های در پیوست آن و با بهره‌مندی از دیدگاه‌های فرصت جرم، کنترل فرصت‌ها و کم‌جاذبه‌نمودن بزه برای مجرمین در مرحله گذار از قوه به فعل را مدیریت و تلاش کرده از وقوع زمینه‌ها و تکنون بزه‌های اجتماعی جلوگیری کند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی مدیریتی، راهبردهای مدیریتی، فساد اداری، مدیریت خطر، جرم

۱ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیه الله آملی، مازندران: ایران. Mehrpour^۱@gmail.com

۲ - دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، مازندران: ایران. (نویسنده مسئول): hajitabar@yahoo.com

۳ - استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران: ایران. dresmaeli@yahoo.com

مقدمه

عناصر دوگانه فساد و سلامت اداری به عنوان مؤلفه‌های جهان‌شمول که افزون بر قوانین بین‌المللی^۱، در قوانین ملی در قالب قانون اساسی و قوانین عادی در حوزه تعزیرات، مسئولیت مدنی، مبارزه با پولشویی، ارتقای سلامت اداری آمده، نمایانگر اهمیت آن در زیست اجتماعی است. عامل ایجاد چینی پدیده‌ای از جهت معرفت‌شناسی، هم‌پیوند با سنخ روانی افراد در نفع شخصی دانسته شد و به گونه منافع گروهی بازتولید گشت (راغفر، ۱۳۹۲: ۲۹۳-۲۹۲). پدیده فساد اداری^۲ با تولید انواع آفت‌های اجتماعی^۳ و اخلاقی^۴، زمینه مبارزه با آن را در گستره ناهمسان اخلاقی و حقوقی ازسوی دولت‌ها و نهاد قدرت فراهم ساخت. در این جهت، الگوی مدیریت خطر با رهیافت فایده‌گرایانه^۵ با نگره نوین در نظام عدالت کیفری ایجاد شد که کارکرد آن، نماد عینی عدالت سنجشی در ارائه راه‌حل برای کنترل و مهار جرم بود. الگوی نوین با رویکرد عقلانی و سویه عدالت کیفری، جایگزین مدل پیشینی مبتنی بر مدیریت است (جلالی، ۱۳۸۳: ۲۱). در این نگره، کارگزاران نظام عدالت کیفری برآن شدند تا با بازتعریف اهداف و ترسیم معیارهای نوین برای سنجش عینی کامیابی‌ها و ناکامی‌ها به عملکرد نظام کیفری در کشف جرم، تحقیق، محاکمه و محکومیت مجرم توجه نمایند. در این جهت، از دهه ۱۹۷۰ میلادی با هدایت و مدیریت واحدهای اجرای قانون، تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا از طریق

۱ - قطعنامه شماره ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد تنظیم و به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و توافق دولت‌ها رسید.

۲- Administrative corruption

۳- Social scourge / به‌سان رشوه، اختلاس، سرقت، کلاهبرداری، اخاذی، سوءاستفاده از نفوذ در شرایط برخورد منافع، پیشنهاد یا پذیرش انعام و مساعده غیرقانونی، تبعیض و پارتی‌بازی، کمک‌های سیاسی غیرقانونی، و پولشویی که از مصادیق چنین آفتی هستند.

۴- Moral disaster (۱۲۷-۱۲۶)

۵- utilitarianism / سودگرایی (جری بنتام)، درستی یا نادرستی گزاره یا کنش‌ها را در میزان سود دانست. در این اندیشه، اجرای کیفر را با منافع حاصل از اجرای آن برای جامعه توجیه کرد. در این نگره، اعمال مجازات نه با هدف رساندن درد و رنج بزه‌کار، بلکه به پیشگیری از جرم و بازدارندگی از منظر مجازات توجه شد (فرج‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). این اندیشه در برابر Retribution/ سزاگرایی کانتی قرار دارد. بزه‌کار به تناسب جرم مجازات می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۰۹).

معرفی روشی نظام‌مندتر جهت گردآوری اطلاعات، مدیریت اصولی تراکم پرونده‌ها و ارائه راهبردهای جدید برای یکپارچه‌سازی سیستم و نظارت بر آن، تلاش شد کارایی فرایند عدالت کیفری را بهبود دهد (گارلند، ۱۳۸۳: ۷۴۵-۷۴۳). نظام عدالت کیفری در این دایره گفتمانی سوبه دفاعی به‌خودگرفت که هدایت آن، بیشتر از درون سیستم انجام شد و تعهد کمتری نسبت به هدف‌های اجتماعی تعریف‌شده از بیرون داشت (گارلند، ۱۳۸۳: ۷۵۲). در چنین رویکردی، معیار تکرار جرم به‌جای اینکه ملاکی برای اندازه‌گیری شکست یا موفقیت برنامه‌های اصلاح و درمان باشد، به‌عنوان یک ابزار کنترل به‌کاررفت. جرم‌شناسی مدیریتی و عدالت سنجشی، برپایه عقلانیت ابزاری و شکلی، راهبردهای ویژه‌ای را برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه دنبال کرد. اصل اساسی در رهیافت جرم‌شناسی مدیریتی بر محاسبه‌گری و سنجش میزان خطرناکی بزهکاران برپایه آمار و ارقام مبتنی شد. البته این رویکرد، تنها در پی کمی کردن اطلاعات نیست؛ بلکه بر عقلانیت ابزاری و سیستماتیک تاکید دارد. بر این اساس، نظام عدالت کیفری سنجش‌گر؛ کشف، کنترل گروه‌های بزهکار و پاسخگویی به انتظارات عمومی برای برقراری امنیت را دنبال کرد. چنین نظامی، اثربخشی خود را در بازپروری بزهکاران و یا دستیابی به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی ندانسته است؛ بلکه با تاکید بر مدیریت سیستمی، مشروعیت خود را در کاربست ابزارهای کشف جرم و فرایندهای کنترل بزهکاری دانست (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۶). نوشتار درباره فساد و سلامت اداری در میان دانشوران، با نگره و زوایای دید متفاوت دارای فراوانی است که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌گردد. نوشته «سلامت اداری و راه‌های مبارزه با فساد اداری» از مصباح یزدی (۱۳۹۳) به آسیب‌شناسی نظام اداری و شناسایی راهکارهای مبارزه با فساد اداری با هدف نیل به سلامت اداری در نظام اسلامی پرداخته است. مقاله «سنجش سلامت و فساد اداری در شهرداری تهران» از امیری و دیگران (۱۳۹۴) به گونه توصیفی و پیمایشی، میزان سلامت و فساد در شهرداری تهران به عنوان یک سازمان عمومی را اندازه‌گیری کرد. نوشته «نقش دینداری در ارتقای سلامت نظام اداری» از درودی و دیگران (۱۳۹۷) است که نقش دینداری در ارتقای سلامت نظام اداری در دانشگاه‌های سراسری استان آذربایجان شرقی با سوبه محاسبات آمار توصیفی و استنباطی را بررسی کرد. جستار «رابطه

سلامت اداری و نهادینگی سازمان با اعتماد نهادی» از حیدری و دیگران (۱۳۹۷)، نهادهای نظارت‌کننده بر قیمت کالاها و خدمات و همبستگی بین متغیرهای رفتار کارکنان، نهادینه‌شدن اصول سازمانی مدرن و جدیت سازمان‌های ناظر به سه نوع اعتماد، بسان نهادهای حاکمیتی، نهادهای حمایتی-آموزشی و نهادهای خدمات اقتصادی را تبیین کرد. نوشتار «رویکرد قانون‌گذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» از ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷)، مصوبه قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در سال ۱۳۹۰ و افزایش چشمگیر جرایم مالی-اقتصادی در نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی را بررسی کردند. این مقاله از یک‌سو، پیشگیری وضعی که از مظاهر جرم‌شناسی پیشگیری است و از سوی دیگر، پیشگیری کیفری که از مصادیق اقدام واکنشی در قبال جرایم است را مطالعه کرده است. باتوجه به گستره نوشتار، پژوهشی درباره راهبردهای مدیریت خطر فساد اداری در پرتوی جرم-شناسی مدیریتی انجام نشده است.

باتوجه به این گفته‌ها، پرسش اصلی جستار، چنین صورت‌بندی می‌گردد: راهبرد جرم‌شناسی مدیریتی برای مقابله با فساد اداری برپایه مؤلفه مدیریت خطر چیست؟
پرسش‌های فرعی: الف- رویکرد جرم‌شناسی مدیریتی بر سیاست کیفری اتخاذ شده در قبال فساد اداری چگونه است؟
ب- تا چه میزان، قانون حفظ و ارتقای سلامت اداری از اندیشه‌های جرم‌شناسی مدیریتی بهره گرفته است؟

این مقاله با روش توصیفی-تحلیل اطلاعات کیفی و مبانی حقوق جزا در پی بررسی راهبردهای مدیریت خطر فساد اداری در پرتوی جرم‌شناسی مدیریتی است. به نظرمی‌رسد راهبرد اساسی جرم‌شناسی مدیریتی در جهت ارتقای سلامت نظام اداری است که از طریق شناسایی زمینه‌های خطر فساد، تخمین احتمال رخداد خطر و میزان تاثیر آن، ارائه راهکارهایی جهت تعدیل خطرهای شناسایی شده، نظارت و پایش مستمر بر عوامل و زمینه‌های خطر و تداوم‌بخشی به این چرخه با جرم روی‌آوری کرد. در ادامه باید گفت که تکیه و ساختار این نوشتار در گامی پاسخ به پرسش‌های آن است. از سوی دیگر، نظریه نوین مدیریت خطر جرم در جهان پسااست،

با بنیان‌های معرفتی ویژه تکون یافت. در این جهت، در بخش آغازین؛ برخی مبانی و بنیان‌های معرفتی آن نظام گفتمانی و مفاهیم در پیوست آن مطرح شده و سپس در بخش دوم به پرسش‌های این جستار پرداخته شد.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

برای دریافت چیهستی مفاهیم به کاررفته در پژوهش حاضر، برخی از مفاهیم بسان مدیریت خطر، جرم‌شناسی، فساد اداری، جرم‌شناسی مدیریتی و پیشگیری از فساد بررسی شد.

۱-۱. مفهوم‌شناسی مفهوم فساد اداری^۱

نظام اداری،^۲ ترکیب دو واژه «نظام» و «اداری» است. نظام به معنای مجموعه عناصری است که با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و به وسیله حدومرزی از محیط خود جدا می‌شوند و اداری منسوب به اداره است (عباس‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۶). در اصطلاح، این تعبیر به معنای فعالیت یا درجبهه مادی آن، به همه کنش‌ها گفته شده که نهاد قدرت یا دولت برای نگاه‌داشت نظم عمومی و یا تأمین نیازهای عمومی انجام می‌دهد. از جنبه سازمانی، اداره به مجموع تشکیلات و سازمان‌های تحت سرپرستی قوه مجریه اطلاق شد که اجرای فعالیت‌های متعددی را با امکانات مادی و انسانی برای هدف ویژه به عهده دارند (امامی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳؛ موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۶). واژه فساد از «فسد» به معنی خروج از اعتدال (طریحی، ۱۳۶۲: ۵۴/۷)، تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، بدکاری، شرارت، ضدصلاح، نادرستی، تقلب، ناراستی و هرکنش ناشایست و ناپسند است (دهخدا، ۱۳۸۹: ۲/۲۱۲۱). این واژه از کلمه لاتین "Rumper" معادل انگلیسی "Corruption" در معنای شکستن هرچیزی یا نقص آن در گستره رفتار اخلاقی، کارکردها، اهداف، شیوه قانونی و مقررات اداری است (تانز، ۱۳۸۷: ۴۶-۴؛ حبیبی، ۱۳۸۵: ۳۰). برداشت‌ها از این تعبیر به دلیل زاویه دید ناهمسان برآمده از فرهنگ‌های مختلف درباره منافع عمومی، متفاوت است. در برداشتی، تعبیر فساد اداری به همه فعالیت‌ها و تصمیمات اداری گفته شده که منسوبان به اداره با اتخاذ آن منافع شخصی، گروهی، حزبی و نهادی مرتبط به خود

۱- Administrative corruption

۲-Administrative system

را تأمین نموده است و در عوض، به منافع عمومی آسیب می‌زنند که از نگاه جامعه، چنین کنشی غیراخلاقی و مضر تلقی می‌شود (عباس‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۸). درگامی، فساد اداری؛ سوءاستفاده از اختیارات، امکانات و منابع دولتی با تخلف و قانون‌شکنی برای کسب منافع شخصی و اضرار به منافع و حقوق عمومی است (نجومی، ۱۳۹۹: ۱۰-۷؛ عباس‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۵).

۱-۲. مفهوم جرم‌شناسی مدیریتی

دهه‌ها پس از طرح جرم‌شناسی بالینی و پیگیری اندیشه‌های آن در نظام‌های عدالت کیفری، نتایج برخی مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان داد که جرم‌شناسی اصلاح، درمان و جرم-شناسی پیشگیری (تحقیقی یا سنتی) اثربخش نیست. ارزیابی‌های مذکور که عمدتاً در کشورهای آمریکا و کانادا صورت گرفت، گواه این مدعا بود که هزینه‌های سنگین برنامه‌های اصلاح و درمان، نتیجه‌ای در کاهش نرخ بزهکاری نداشته است. بالاگرفتن موج مطالبات عمومی برای تأمین امنیت در پی افزایش ترس از جرم و ناامنی از یک سو و افول اندیشه دولت‌های رفاه از سوی دیگر، سبب شد تا زمینه برای نفوذ اندیشه‌های نوین مدیریتی به عرصه علوم جنایی و جرم-شناسی فراهم گردد. نخستین بار، اولریش‌بک^۱ با به‌کارگیری اصطلاح «جامعه خطر محور»، از پیدایش جامعه مدرنی سخن گفت که در نتیجه تلاقی خطرات طبیعی موجود در جامعه و خطرهای جدید ناشی از عملکرد انسان پدید می‌آید. در چنین جامعه‌ای، آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ مدیریت خطرات گوناگون و حتی غیرقابل‌پیش‌بینی در زندگی بشری است (Back, ۱۹۹۲, p. ۸). در این رویکرد، جرم به مثابه منشأ ایجاد خطر ناامنی در جامعه تلقی گشته که امکان حذف کامل آن وجود ندارد، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است که باید از طریق کاربست راهبردهای مناسب، تا حد ممکن، آن را برای اجتماع انسانی، قابل تحمل نمود. بر این اساس، با خطر تلقی‌کردن پدیده مجرمانه و تأکید بر لزوم مدیریت این خطر، از دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد مدیریتی در اندیشه‌های جرم‌شناسان با عنوان «جرم‌شناسی مدیریتی» ایجاد شد. این نگره، ناظر بر اتخاذ رویکردهای مدیریت محور به پدیده مجرمانه است. در این رویکرد، برای شکل‌دهی مجدد کنترل جرم، تمرکز سیاست‌های کیفری، برخلاف آنچه در عصر خدمات

۱ Ulrich Beck- / جامعه‌شناسی آلمانی (۲۰۱۵-۱۹۴۴) و مبدع نظریه جامعه خطر/ Risk society است.

اجتماعی کیفری رواج داشت بر روی هنجارسازی اصلاحی مجرمان نیست؛ بلکه مدیریت رفتارها و موقعیت‌های مجرمانه از طریق استفاده از سبک‌های آماری علت‌یابی و تکنولوژی است.

۳-۱. مفهوم پیشگیری

واژه پیشگیری، در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع، صیانت و حفظ صحت است (معین، ۱۳۸۱: ۹۳۳) و در اصطلاح برداشت‌های متفاوتی از آن شد. درنگاهی، هرفعالیت، سیاست جنایی است که غایت انحصاری یا غیرکلی آن، تحدید حدود امکان رخداد مجموع اعمال جنایی از طریق غیرممکن‌الوقوع‌ساختن یا دشوار کردن یا احتمال وقوع آن را پایین‌آوردن است، بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند (گسن، ۱۳۷۶: ۱۳۳؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۷۵۳) در برداشتی، پیشگیری درمعنای پیش‌بینی، تشخیص و ارزیابی خطر جرم و ابتکار برخی اقدامات برای حذف یا کاهش آن است (گراهام، بی‌تا: ۱۱). در ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم، این واژه به‌صورت «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای از میان‌بردن یا کاهش آنها» تعریف شد. این تعریف به دلیل درنظرگرفتن پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و نیز شامل‌شدن تدابیر کیفری و غیرکیفری برای مبارزه و کاهش بزهکاری نسبت به دیگر تعاریف مناسب است. آنچه در تمام تعاریف فوق مشترک است، آن است که هدف از پیشگیری، حفظ و پاسداری از امنیت فردی و اجتماعی است (نوذری فردوسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۹). امروزه درحقوق، دو معنای موسع و مضیق از پیشگیری جرم اراده می‌شود. معنای موسع آن در گستره طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری درجهت خنثی‌کردن عوامل ارتکاب و کاهش جرم است. معنای مضیق، تنها به تدابیر غیرکیفری شامل تدابیر پیشگیری اجتماعی و وضعی توجه دارد. پیشگیری اجتماعی، ناظر بر این باور است که علت‌های مختلفی در پیدایی جرم مؤثر است؛ بنابراین، جامعه باید این عوامل جرم‌زا را از طریق اقداماتی ازبیین‌برد تا جرمی به‌وقوع نپیوندد. پیشگیری وضعی به وضعیت قبل از وقوع جرم می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که در فرایند گذر از اندیشه به عمل، اخلال ایجادگشته تا اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه نینجامد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

۴-۱. مبانی نظری وقوع فساد اداری

چنانچه گفته شد فساد به‌گونه طبیعی و انسانی، پدیده‌ای جهانی است که همواره با پیدایش نخستین حکمرانی‌ها وجود داشته و عاملی مهم در آسیب‌رسانی به سیاست‌ها، توسعه^۱ و منافع عمومی بوده است. در جهان پسااست، بی‌توجهی به خواسته‌های عمومی و فساد انسانی در گستره نظام اداری؛ زمینه کاهش بهره‌وری، سرمایه‌های اجتماعی، شکست سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی از جمله نهاد قدرت را فراهم کرد و در نهایت، مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را تهدید کرد. باتوجه به پیامد منفی گستردگی و پیچیدگی چنین پدیده‌ای در جهان امروز و توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ رویافت‌های متفاوتی در پیدایی وقوع فساد اداری ارائه گشت که به برخی از آنها در زیر اشاره شد.

۴-۱-۱. نظریه تقلید^۲

گابریل تارد^۳ با درک روان‌شناختی و فلسفی به مسأله هستی‌شناسی جامعه پرداخت و اجتماع انسانی را به مثابه شبکه‌ای از روابط در تگون رویدادها دانست (Latour, ۲۰۰۲:۵). در این نگره، فرایند شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی در دو مؤلفه تقلید و نوآوری دانسته شد. وی در نظریه تقلید که اراده فرد را آمیخته‌ای از جبر و آزادی تلقی می‌کرد، بر این باور بود که افراد، رفتارهای مجرمانه را از یکدیگر می‌آموزند و در هم‌کنشی میان فرد و جامعه، افراد؛ شیوه‌های ارتکاب جرم را از جامعه می‌آموزند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). برپایه قانون نخست تارد، آدمی بیشتر از کسانی تقلید می‌کند که از نظر فیزیکی به او نزدیک بوده و یا با وی معاشرت دارند؛ براساس این قانون، اگر فرد در محیط اداری، فاسد و منحرف کار کند یا با کارمندی معاشرت داشته باشد که مرتکب فساد می‌شوند؛ پیامد چنین معاشرت و قرابت فیزیکی، آموختن ارتکاب فساد است. مطابق قانون دوم، تارد اشاره دارد که آدمی بیشتر از افراد مافوق خود تقلید

۱- سامانه‌ای از تلاش‌ها برای ایجاد زمینه‌های مطلوب زیست برپایه نظام ارزشی موجود و مورد اقبال جامعه است (اسدی، ۱۳۶۹: ۵۳-۵۴).

۲- The theory of imitation

۳- Gabriel Tarde / جامعه‌شناس، جرم‌شناس و روان‌شناس اجتماعی فرانسوی ۱۹۰۴-۱۸۴۳ که نظریه شناختی تقلید وی در گستره جرم‌شناسی با زمینه روان‌شناختی اجتماعی است.

می‌کند. در نتیجه، کارمندان فرودست در نظام اداری با ملاحظه ارتکاب فساد از سوی اشخاص فرادست، این امر را تقلید می‌کنند (کسن، ۱۳۸۵: ۱۰-۹).

۲-۴-۱. نظریه معاشرت ترجیحی

ادوین ساترلند، علت ارتکاب جرم را در بستر تعاملات اجتماعی دانسته که در فرایند یادگیری تدریجی و در هم‌کنشی با دیگران آموخته می‌شود. وی با نظریه پیوند افتراقی، رفتار مجرمانه افراد را در فرایند یادگیری به وسیله دوستان تلقی کرد. نظریه پیوند افتراقی، ارتکاب فساد اداری در قالب ارکانی بیان شد.

- فساد اداری، مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران، به‌ویژه گروه همکاران و دوستان آموخته می‌شود.

- فراگیری فساد، هم مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب فساد و هم انگیزه‌ها و گرایش‌های مناسب برای بزهکاری است.

- انسان بدان سبب مجرم می‌شود که فراوانی امکانات قانون‌شکنی بر محدودیت‌های نامساعد آن بچربد. براین اساس، احتمال ارتکاب فساد با وجود زمینه‌های سوءاستفاده از یک سو و فقد و ضعف مکانیسم‌های نظارتی و انضباطی از سوی دیگر، بیشتر می‌شود.

- فرد در فرایند یادگیری، افزون بر شیوه‌های جرم، شگردهای متفاوت رفتار مجرمانه را هم می‌آموزد (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۱).

۳-۴-۱. نظریه کنترل اجتماعی جرم^۲

بر پایه نظریه کنترل اجتماعی دورکیم - که توسط هیرشی ترویج و توسعه یافت - هرچه میزان همبستگی اجتماعی ناشی از دلبستگی^۳، تعهد^۴، درگیر بودن^۵ و باور^۶ در یک جامعه بالاتر

۱- Edwin Hardin Sutherland. ۱۸۸۳-۱۹۵۰. جامعه‌شناس و جرم‌شناس واکنش اجتماعی آمریکایی

۲- The theory of social control of crime

۳- Attachment

۴- Commitment

۵- Involvement

۶- Belief

باشد، اعضای جامعه بیشتر با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی همسو می‌شوند و تمایل افراد به تبعیت از قوانین اجتماعی بالاتر است و برعکس، چنانچه این همبستگی دچار ضعف باشد، احتمال گرایش افراد جامعه به رفتارهای مجرمانه بیشتر می‌گردد (Hirschi, ۱۹۹۰: ۱۶). بر اساس این نظریه، با بروز ضعف در مؤلفه‌های بازگفته، کنترل اجتماعی جامعه بر افراد کاهش یافته و در نتیجه، زمینه برای گرایش افراد به ارتکاب فساد بیشتر می‌گردد؛ به نحوی که با کاهش احترام به قوانین و مقررات و هنجارهای موجود در جامعه، به‌ویژه در سطح نظام اداری، تعهد افراد و پایبندی آنها به قوانین کاهش می‌یابد و پدیده فساد به عنوان نمونه‌ای از کجروی در نظام اداری بروز و ظهور می‌یابد. این ایده بر مجازات کردن در برقراری نظم اجتماعی تأکید دارد (سخت‌اوت، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱).

۴-۱. نظریه جرم‌شناسی سوسیالیستی^۱

مکتب سوسیالیسم در جرم‌شناسی، براساس دیدگاه‌های مارکس^۲ و انگلس^۳ در علم اقتصاد و نحوه مطالعه آن در گستره مشکلات و بحران‌های اقتصادی؛ جرم و انحطاط را ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت دانست. در این رویکرد، ریشه ارتکاب فساد در نابرابری‌های اقتصادی است و هراندازه فاصله طبقاتی، محرومیت‌های مالی، فقر، عدم امنیت شغلی و... برای یک کارمند بیشتر گردد، احتمال کشیده شدن به سمت ارتکاب فساد و سوءاستفاده از موقعیت اداری بیشتر می‌شود.

۴-۱.۵. نظریه جرم‌شناسی انتقادی^۴

جرم‌شناسی رادیکال (انتقادی، جدید و یا بنیادگرا) رویکردی سیاسی- عقیدتی نسبت به جرم هست و قائل به این موضوع است که جرم‌شناسی، دولتی بوده و خود را مقید به وضع اجتماعی موجود کرده است؛ درحالی که بایسته آن است که برای کنترل جرم، پیگیر تغییر وضع اجتماعی موجود بود، نه تحلیل آن (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۱۲). در این نظریه، ریشه و مبنای فساد اداری، ساختار قدرت است (Muncie, ۲۰۰۴: ۱۴۵). ساختارهایی که در نگاه

۱- Theory of socialist criminology

۲- Karl Heinrich Marx. (۱۸۱۸-۱۸۸۳). جامعه‌شناس آلمانی سال‌های

۳- Friedrich Engels. (۱۸۲۰-۱۸۹۵). انقلابی آلمان / فیلسوف، مورخ و انقلابی آلمان

۴- Theory of Critical Criminology

جرم‌شناسان انتقادی، به شیوه‌های خاص نهادینه‌شده و بازتاب انواعی از علایق و منافع اجتماعی است که دسته‌های خاصی از مردم را تحت ستم قرار می‌دهد. جرم‌شناسان انتقادی، عملکرد کنونی نظام عدالت کیفری را غیرمنصفانه و سوگیرانه تلقی کرده که گروه‌های خاص یا طبقاتی خاص بر دیگران برتری داده می‌شود.

۲. فرایند مدیریت خطر در نظام اداری

کارکرد مدیریت خطر، کاهش احتمال وقوع و اثرات منفی رویدادهای نامطلوب است. تلاش در روند تصمیم‌گیری، انتخاب و اجرای با صرفه‌ترین و مؤثرترین تکنیک‌ها و اقدامات در مواجهه با خطرات متفاوت جهت به حداقل رساندن، از خویشکاری این مدیریت است. باتوجه به اینکه بودجه و امکانات مادی و انسانی سیستم‌ها، از جمله نظام عدالت کیفری محدود است، دیدگاه مدیریتی به دنبال به کارگیری بهینه این امکانات است. مدیریت خطر با نگاه هزینه، فایده در پی شناسایی کارآمدترین و باصرفه‌ترین تکنیک‌ها برای کاربست امور است. هدف اصلی مدیریت خطر، حذف خطر نیست؛ بلکه تغییر دادن محیط است؛ بنابراین، در این رهیافت، وجود ریسک، امری طبیعی و حتی ذاتی سیستم است و باید با آن همراهی کرد و در جهت کنترل و کاهش اثرات احتمالی آن برنامه‌ریزی نمود. از همین رو، سیاست جنایی خطرمدار بر این دیدگاه مبتنی است که در جامعه انسانی، وقوع جرم و بزهکاری امری طبیعی است و جامعه به گونه پیوستار جرم وجود دارد. هدف، کنترل جرم و تقلیل آن به یک حد قابل قبول از نظر شدت و نرخ ارتکاب جرایم است (صبوری، ۱۳۸۰: ۲۵). بر این اساس، در مدیریت خطر مطلوب، فرایند اولویت‌بندی‌شده منظور است که بر مبنای آن، خطرهای واجد بیشترین زیان‌دهی و بالاترین احتمال وقوع در مرحله نخست و خطرهای با احتمال وقوع کمتر و زیان‌دهی پایین‌تر، در مرحله بعد مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

۲-۱. برنامه‌ریزی

در مدیریت ریسک، پیش از اجرای امور به اهداف فرایندی آن توجه شده و پس از شناسایی، ارزیابی، انجام اقدامات کنترلی، اصلاح ریسک‌های بالقوه که رویدادها ممکن است خسارت و تغییراتی در وضع موجود ایجاد نکند؛ کارکردها، مسئولیت‌ها و روش‌ها برنامه‌ریزی می‌گردد.

برنامه‌ریزی در فرایند مدیریت خطر، امری پویا بوده و به‌گونه پیوستار، نیاز به بازنگری و دگرگونی به تناسب موقعیت دارد (بابایی و وزیرجانی، ۱۳۸۵: ۱۸). براین اساس، ساختاردهی هدف مدیریت خطر در قالب اهداف سازمان، شناخت منابع و چگونگی تدارک آنها، تبیین معیار، ارزیابی، پذیرش و بیان وسعت و دامنه فعالیت‌های مدیریت خطر از عمده کنش‌ها در مرحله برنامه‌ریزی مدیریت خطر است. سیاست‌گذار یا مسئول سازمان یا اداره‌ای که درصدد برنامه‌ریزی برای مقابله با فساد در مجموعه خود است، براساس مجموعه عوامل و شرایط سازمان نسبت به برنامه‌ریزی و طراحی سیستم کاربردی مورد نظر مدیریت خطر فساد اقدام می‌کند.

۲-۲. کشف و شناسایی

تشخیص ریسک، فرایندی از شناسایی خطرهای احتمالی موثر بر اهداف سازمان و فهرستی از رویدادهای امکانی و علل و عوامل موثر در وقوع آن تهیه کرده و مستندسازی همه عناصر بازگفته است (عبدایمان، ۱۳۹۸: ۳-۴). درگستره مدیریت خطر فساد اداری؛ شناسایی خطر، فرایندی تکرارپذیر بوده که درآغاز توسط افراد منتخبی از مدیران یا کارکنان سازمان و یا گروه متولی مدیریت خطر صورت‌پذیرفته است؛ سپس توسط شماری بیشتری از آنها و به‌ویژه متولیان اصلی پروژه، اقدام می‌گردد. حجم و گستردگی اجرای فرایند شناسایی، بنابر ضروریات نظام اداری و متناسب با مشخصه‌های یک سازمان متفاوت است. شناخت کامل و به‌موقع خطر فساد، در انجام برنامه‌های اصلاحی و کنترل فساد موثر است.

۲-۳. ارزیابی

ارزیابی از مؤلفه‌های فرایند مدیریت ریسک در جرم‌شناسی مدیریتی است. این رهیافت، برخلاف اندیشه‌های پیشینی مبتنی بر رویکرد اصلاح و درمان مجرمان است که برپایه پیش‌فرض‌های غیرعلمی و غیرقابل ارزیابی است. اندیشه پیشینی، قوانین حاکم بر رفتارها و تظاهرات حیوانات را بر روی انسان‌ها قابل اجرا می‌دانست. از سوی دیگر، این رویکرد با الهام از دیدگاه‌های پزشکی با طرح ایده کلی، مجرمان را بیمار تلقی کرد. حال آنکه انسان با بهره‌مندی ساحت وجودی ویژه، موجودی منحصربه‌فرد و افزون بر بدن، دارای شخصیت پیچیده و چندبعدی است که ارائه یک ایده کلی درخصوص او را ناممکن می‌سازد. باتوجه به اینکه اعمال مجرمانه، بخش وسیعی از

رفتارهای نابهنجار را دربرمی گیرد، نمی توان پذیرفت همه رفتارها ناشی از بیماری بزهکار باشد (راب و هنیز، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

نظریه اصلاح و درمان با پذیرش مفهوم «حالت خطرناک» به ارائه روش های اصلاحی و درمانی درخصوص مجرم می پردازد؛ درحالی که این مفهوم در حیطه نظری؛ دارای تعریف دقیق علمی، سنجش پذیر و تجربه پذیر نیست (راب و هنیز، ۱۳۸۶: ۱۳۲). دراین صورت، پیامد آن نتیجه ای جز برخوردهای سلیقه ای و تضییع حقوق بزهکاران است (کلارکسون، ۱۳۷۰: ۲۵۲). مسأله ارزیابی، قابلیت محاسبه خطر، برنامه های کنترل و مدیریت خطر است که جرم شناسی مدیریتی را ضابطه مند و علمی می سازد. در فرایند ارزیابی خطر در نظام اداری، با تحلیل مؤلفه های ریسک؛ زمینه ها و بسترهای فساد شناسایی می شوند.

۴-۲. پاسخگویی

پس از انجام روندهای بازگفته، الگوی پاسخگویی به خطرات، به عنوان واکنشی در برابر خطر است (Hopkin, ۲۰۱۰: ۵). تصمیمات گرفته شده در این روند، گزینه ها و فعالیت هایی برای افزایش فرصت ها و کاهش تهدیدهای پروژه فراهم می سازد (۱۴۶-۱۴۰، pp. ۲۰۰۰، PMI). در ادامه، راهکارهای مطرح شده برای پاسخگویی بررسی می گردد.

۴-۲-۱. اجتناب از ریسک

شیوه راهبردی اجتناب، با انجام ندادن فعالیت مولد ریسک، ساده ترین شیوه مدیریت خطر است که برنامه ریزی و سیاست گذاری حذف می شود (Pritchard, ۲۰۰۱: ۴۲). درگستره کنترل خطر فساد اداری، عدم استخدام افراد دارای سابقه ارتکاب فساد و یا عدم انتصاب چنین افرادی درسمت های حساس، بازنمونی از اجتناب ریسک است. برای اجتناب از فعالیت های پرریسک، می توان با افزودن به منابع مالی سازمان یا زمان انجام کار، پذیرش رویکرد متعارف به جای نوآوری یا سپردن کارها به متخصصان و نخبگان زبده و آشنا به امور، فعالیت های پر ریسک را درکنترل درآورد (Pritchard, ۲۰۰۱: ۴۲).

۲-۴-۲. کاهش ریسک

کاهش ریسک از راهکارهای مدیریت ریسک‌های سازمان در احتمال وقوع پدیده فساد است. در این جهت، اقداماتی برای کاهش احتمال یا کاهش تاثیرات ریسک‌های یک سازمان صورت می‌گیرد. حذف پرداخت‌های نقدی و الزام به پرداخت بانکی وجوه در سازمان‌ها و واحدهای اداری از شیوه‌های کاهش ریسک است که در خصوص خطر فساد اداری به کار گرفته شد.

۲-۴-۳. کنترل و تقلیل

در مرحله پایانی فرایند مدیریت خطر، ریسک‌های شناسایی شده مورد پایش قرار گرفته و نحوه پاسخگویی و واکنش به آنها از حیث اثربخشی و اجرای صحیح بررسی می‌شوند (Pritchard, ۲۰۰۱: ۴۹). عنصر عقلانیت در رویکرد خطرمدار به معنای ضرورت تعادل میان حقوق افراد، پیشگیری و محافظت در برابر خطر است (Fu, ۲۰۱۴: ۷۷). مؤلفه عقلانیت در انتخاب مناسب‌ترین پاسخ به خطر بزهکاری مفسدان معنانشده که هم در تعیین دامنه ازسوی سیاست‌گذاران نظام اداری و هم در اعمال آن پاسخ از جانب کنشگران اجرایی و قضایی توجه می‌گردد. جوامع متفاوت با سطوحی از انواع فساد روبه‌رو بوده و تمایز آنها، در چگونگی رویارویی با پدیده فساد و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و مقابله‌ای است. گونه‌های روی‌آوری پیشگیرانه با پدیده فساد اداری؛ سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی است. سویه راهبردی حقوقی با این پدیده به صورت اصلاح قوانین و مقررات، شفاف‌سازی و کاهش ابهام قوانین و مقررات، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، الزامات قانون‌گذاری، راهبردهای کلان قضایی، استقلال نهاد قضایی و متولی مبارزه با فساد، ارتقای رسیدگی‌های قضایی و اداری، محدودیت‌ها و جرم‌انگاری، برخورد و مجازات، پیشگیری از وقوع جرم، مقررات‌زدایی، ارتقای آگاهی‌های حقوقی، مصونیت گزارشگران افشاکن، الزامات حقوقی افشا، توانمندسازی دستگاه‌های نظارتی، تقویت نظارت‌های سازمانی و ارتقای نظارت‌های مردمی قابل بازنمایی است (الماسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳).

۲-۵. راهبردهای جرم‌شناسی مدیریتی در کنترل فساد اداری

جرم‌شناسی مدیریتی و عدالت سنجشی برپایه عقلانیت ابزاری و شکلی، راهبردهای ویژه‌ای برای مقابله با پدیده مجرمانه است. اصل اساسی در رهیافت جرم‌شناسی مدیریتی، بر محاسبه‌گری و سنجش میزان خطرناکی بزهکاران برپایه آمار و ارقام است. این رویکرد، افزون بر کمی‌کردن اطلاعات، بر عقلانیت ابزاری تاکید دارد. براین اساس، نظام عدالت کیفری سنجش‌گر؛ کشف، کنترل گروه‌های بزهکار و پاسخگویی به انتظارات عمومی برای برقراری امنیت را دنبال می‌کند. چنین نظامی، اثربخشی را در بازپروی بزهکاران یا دستیابی به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی ندانسته است؛ بلکه با تاکید بر مدیریت سیستمی، کارآمدی را در کاربست ابزارهای کشف جرم و فرایندهای کنترل بزهکاری بیان کرد.

۲-۵-۱. جایگزین کردن اندیشه‌ها و مدل‌های دیگر برای افزایش اثربخشی کارکردهای عدالت کیفری

رویکرد مدیریت خطر، بزهکاری الگوی نوین اثربخش در روی‌آوری با بزه‌های اجتماعی برای کنترل و کاهش آن و جایگزین رهیافت پیشینی اصلاح و درمان است. دراین میان، اختصارگرایی به عنوان یکی از ویژگی‌های جرم‌شناسی مدیریتی بوده که زمینه را برای عدالت کیفری فراهم می‌سازد. هدف این مؤلفه؛ اختصارگرایی، حفظ فرایندها و برنامه‌های ضروری و حذف فرایندها و برنامه‌های غیرضروری است. براین اساس، بااستفاده از ارزیابی‌های هزینه- فایده، برنامه‌های ناکارآمد، زائد و زمان‌بر حذف و هزینه‌ها کاهش می‌یابد. در این فرایند، افزون‌بر پیامدهای یادگشته، دقت و کیفیت امور افزایش یافته و زمینه‌ساز رضایت‌مندی مشتریان است؛ بنابراین، اختصارگرایی در گفتمان جرم‌شناسی مدیریتی، ناظر بر سیاست کاهش تراکم پرونده‌های کیفری و صف‌های طولانی انتظار در دادگاه و نهادهای عدالت کیفری ازطریق افزایش سرعت رسیدگی‌های قضایی است و از این رهگذر، درصدد افزایش امنیت مورد انتظار شهروندان، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری، افزایش دقت در دادرسی‌ها، کاهش فساد در دستگاه قضایی و زمینه‌های سوءاستفاده افراد در فرایندهای آن گشته و درنتیجه، افزایش اعتماد عمومی و رضایت‌مندی شهروندان از هیأت حاکم و نظام قضایی را فراهم می‌کند.

۲-۵-۲. سنجش‌گری میزان خطر فساد اداری

سنجش خطر از مباحث نوین علم مدیریت و از راهبردهای اصلی در جرم‌شناسی مدیریتی است که در پی سنجش تجزیه و تحلیل جامع و همه‌جانبه عملکرد افراد یا نهادهاست. مؤلفه راهبردی سنجش‌گری در نظام اداری، به دنبال شناسایی خطر مفسدان از حیث ریسک تکرار فساد توسط ایشان است.

۲-۵-۳. مدیریت غیرکیفری خطر فساد اداری

استفاده از راهبردهای غیرکیفری، راهکارهایی هستند که جنبه پیشگیرانه و بازدارندگی دارند که از اساس، مانع ارتکاب فساد هستند یا در صورت ارتکاب فساد؛ کیفیت و میزان کشف آنها را بهتر و بیشتر می‌کنند.

۲-۵-۳-۱. خنثی‌سازی محاسبه‌گری افراد در ارتکاب فساد اداری

نظریه گزینش حسابگرانه در بسترهای علوم اجتماعی، بر این پیش‌فرض استوار است که کنشگران اجتماعی با تمرکز بر فواید حاصل از ارتباط با دیگران، به دنبال کسب حداکثر سود هستند (Hedstorm, ۲۰۰۴: ۶). در این جهت، از راهبردهای اصلی جرم‌شناسی مدیریتی در خصوص مدیریت غیرکیفری خطر فساد نیز، بالابردن هزینه ارتکاب فساد برای افراد است تا از این رهگذر، آنان را از ارتکاب جرم منصرف کند. در واقع، نظریه عقلانیت جنایی و گزینش حسابگرانه، قرابت معنایی زیادی با محاسبات ریسک‌محور در جرم‌شناسی مدیریتی دارد. باید توجه داشت که مرتکبان فساد اداری که در دسته بزهکاران یقه سفید قرار می‌گیرند، از ضریب هوشی بیشتری در مقایسه با بزهکاران یقه آبی برخوردارند و در نتیجه، بیش از دیگر بزهکاران، محاسبه‌گر هستند و با هوشمندی و درایت و دقت براساس رویکردهای هزینه-فایده، به ارتکاب رفتارهای مجرمانه اقدام می‌کنند. بر همین اساس، راهبرد جرم‌شناسی مدیریتی، مبنی بر خنثی‌سازی محاسبه‌گری افراد در کنترل فساد اداری اثربخش است.

۲-۵-۳-۲. نهادسازی و تخصص‌گرایی در کشف و شناسایی خطر فساد

از دیگر راهبردهای مدیریت خطر فساد اداری، پیش‌بینی نهاد مستقل و تخصصی برای کشف و شناسایی موارد فساد در نظام اداری است. کشف جرم به عنوان مرحله آغازین فرایند رسیدگی

کیفری است و اقداماتی که در این مرحله اجرا می‌شود، تأثیر بنیادین بر فرآیند رسیدگی و هدایت آن به سمت محکومیت یا برائت متهم دارد. با توجه به اهمیت این مرحله، نهادی مستقل با کارویژه کشف جرم ایجاد می‌گردد تا مسئولیت اجرای کلیه اقدامات مرتبط با کشف جرم را به صورت تخصصی برعهده می‌گیرد. وجود استقلال چنین نهاد تخصصی سبب می‌شود تا عناصر تاثیرگذار در روند کشف جرم بسان سمت متهمان، نوع جرایم، تحولات سیاسی و متغیرهای ایدئولوژیک بی‌اثر گردند. با وابستگی یا واگذاری این نهاد تخصصی به یکی از عناصر نهاد قدرت؛ احتمال اعمال نفوذ واکنش‌های جانبدارانه افزایش می‌یابد که پیامد آن، عدم کشف برخی جرایم و پدیدارشدن عنصر خشونت است؛ به گونه‌ای که در گستره کنش‌های سیاسی، کشف جرم به ابزار و مستمسکی برای سرکوب برخی فعالیت‌های سیاسی و جناحی منجر می‌گردد. در ادامه، باید افزود که نفوذ به یک نهاد در الگوی تجمع اختیارات کشف جرم، به مراتب راحت‌تر از نفوذ بر چند نهاد مستقل در الگوی توزیع اختیارات به نهادهای مستقل است. برای نمونه، اگر کشف جرم با جانب‌داری سیاسی و جناحی انجام شود؛ چه بسا جرایم و فسادهای ارتكابی توسط برخی از مقامات سیاسی هرگز کشف نشود یا جرایم ارتكابی توسط مقامات جناح مخالف مغرضانه مورد پیگرد قرارگیرد که در هر صورت، مردود و خارج از چارچوب عدالت است (افراسیابی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۰). با توجه به این گفته‌ها در نظام حقوقی ایران، مطابق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، کشف جرم برعهده نهاد عمومی دادرسی و ضابطان دادگستری قرار گرفته است. مطابق این ماده: «به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضائی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.» نهاد مستقل کشف جرم به رسمیت شناخته نشد و دادرسی به عنوان یک نهاد عام و همبسته به نهاد قدرت، کشف جرم را عهده‌دار است. براین اساس، انتظار این است که برای حفظ و ارتقای سلامت اداری با بهره‌مندی از اندیشه‌های جرم‌شناسی مدیریتی، نهاد مستقل در کشف و شناسایی فساد اداری مورد توجه قرار گیرد.

۳-۵-۲. حمایت از افشاگری و الزام به گزارش‌دهی فساد

تشویق و ترغیب افراد مطلع به گزارش‌دهی فساد از دیگر عناصر کشف و شناسایی موارد فساد است. البته آگاهی از بحران‌ها و آسیب‌های متعدد جسمی، روانی، شغلی و مالی، حیثیتی و اجتماعی افشاگران و بستگان درجه اول آنان، زمینه انصراف از گزارش‌دهی فساد را فراهم می‌سازد. مخاطرات و پیامدهای افشاگری، گویای این حقیقت است که استفاده از این ظرفیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های مدیریت غیرکیفری فساد، مستلزم پیش‌بینی تدابیر حمایتی برای مقابله با تهدیدهایی است که افشاگران را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در نظام حقوقی ایران، سازوکار حمایتی ویژه افشاگران فساد وجود ندارد. تنها در ماده ۲۶ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد پیش‌بینی شده است که: «اشخاص در موارد ذیل، مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرند: الف) مدیران، سرپرستان، کارکنان و یا اشخاصی که موفق به شناسایی، کشف و معرفی افراد متخلف مذکور در این قانون گردند، مشروط بر آنکه تخلف یا جرم در مراجع صالح اثبات شود. ب) مدیران و کارکنان و اشخاص مشمول این قانون که در راه‌اندازی کامل پایگاه اطلاعاتی مکانیزه، تلاش فوق‌العاده داشته باشند». براین‌اساس، در قواعد حقوق ایران؛ تکلیف موسعی برای شهروندان، به‌ویژه در زمینه فساد وجود ندارد. تنها در برخی موارد که مقامات و مسئولان دولتی، مکلف به گزارش جرم و فساد می‌شوند را دربرمی‌گیرد. تکلیف و الزام به گزارش جرم، به‌طور کلی و گزارش فساد به‌طور خاص در قوانین ایران، بسیار محدود در نظر گرفته شد. از یک‌سو، دامنه موضوعی آن و جرایم و مفاسدی که گزارش‌دهی آن الزامی است، محدود است و از سوی دیگر، دامنه این تکلیف، شهروندان را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه ناظر بر مقامات مسئول است. اگرچه شکی نیست که الزامی کردن گزارش فساد می‌تواند کشف و شناسایی موارد آن را به‌میزان قابل‌توجهی افزایش دهد. در این‌خصوص، ظرفیت‌های قانونی ایران نیاز به بازنگری و تقویت دارند؛ اما تا زمانی که تدابیر حمایت از گزارشگران فساد، قانونی و اجرایی نشوند، نمی‌توان به اثربخشی الزامی‌شدن گزارش‌دهی موارد فساد امیدوار بود.

۴-۳-۵-۲. تسامح صفر در تعقیب و رسیدگی به مفاسد اداری

تحولات جرم‌شناسی و کیفرشناسی، بخشی از علل سخت‌گیرانه‌شدن سیاست کیفری را در دهه‌های پایانی قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی است. رویکردهای سخت‌گیرانه، نسبت به جرم و اعمال سیاست‌های سرکوبگر، ریشه در عوامل متعددی دارد و مبانی و دلایل این تحولات را باید در مجموعه‌ای از عوامل با ماهیت‌های جرم‌شناختی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جستجو کرد. مجموعه‌ای از عوامل از جمله: تحولات سیاسی و اقتصادی، قدرت‌گرفتن اندیشه‌های محافظه‌کارانه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، افزایش بزهکاری و بروز و ظهور اشکال نوین آن، افزایش ترس از جرم و احساس ناامنی و نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرا در عرصه عدالت کیفری؛ الگوهای کنترل جرم را متأثر کرده و آنها را سخت‌گیرانه و در اغلب موارد، عوام‌گرا کرد (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۳). متعاقب شکست دولت رفاه و وقوع بحران‌های اقتصادی، نوع نگرش به مجرم و واکنش مناسب نسبت به آن و نیز مبانی و اهداف سیاست‌های عدالت کیفری، دچار تحول گردید و درنهایت، همگام با تسلط دیدگاه‌های نئولیبرال در عرصه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، کیفر نیز از اهداف اصلاح و درمان و آرمان بازپروری مجرم دور شد و به سیاست‌های سخت‌گیرانه و شدت‌گرایانه کیفری روی آورد و به عنوان ابزاری کنترل‌کننده و سرکوبگر به کار گرفته شد؛ امری که زمینه‌ساز پیدایش و گرایش به رویکرد جرم‌شناسی مدیریتی گردید. این رویکرد سخت‌گیرانه که پیروی خواسته‌های عمومی مبنی بر مبارزه شدید و سخت‌گیرانه با بی‌نظمی و جرم، به مجموعه نهادهای نظام عدالت کیفری افزوده شد و از طریق آن، سیاست‌های سخت‌گیری نسبت به جرم بار دیگر احیا گردید، سیاست تسامح صفر نام گرفت که درمقابل با بی‌نظمی و جرم از راه نوآوری در کارکردهای پلیس و افزایش این نیروها، به‌ویژه نیروی پلیس پیاده در خیابان‌های شهرهای بزرگ اعمال می‌شود تا حضور پلیس بتواند جنبه بازدارندگی داشته و درنتیجه، انصراف از ارتکاب جرم حاصل شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۸).

نتیجه پژوهش و پیشنهادها

جرم‌شناسی مدیریتی، به عنوان رهیافتی نوین در علوم جنایی، از ابعاد و مولفه‌هایی برخوردار است که از دیگر رویکردهای مشابه، متمایز می‌گردد. تاکید بر جلوه‌های امنیت‌گرایی، توجه بر رویکردهای هزینه- فایده و هزینه اثربخشی، محور قراردادن ریسک بزهکاری در برنامه‌ها و تصمیمات، گرایش به عقلانیت صوری و ابزاری و گزینش‌گری در پی کاهش و کنترل فساد اداری است. راهبردهای جرم‌شناسی مدیریتی در کنترل فساد اداری به‌گونه مدیریت فرایندی است که طی آن تلاش می‌شود تا براساس مبانی نظری مورد قبول، منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی و بسیج امکانات به نحو کارآمد و مؤثر، هدایت، کنترل و به‌کار گرفته شود. در نتیجه این رویکرد مدیریتی، باید کنترل فساد را مستلزم پیش‌بینی و اجرای مراحل گوناگون دانست. در این رویکرد فرایندمحور، هر یک از مراحل؛ واجد اهمیت است و عدم توجه به آن، نتیجه و اثربخشی خروجی برنامه را با تردید مواجه می‌کند. جرم‌شناسی مدیریتی با تکیه بر خطرمداری این فرایند، مدیریت خطر فساد اداری را شامل برنامه‌ریزی، کشف و شناسایی، ارزیابی، پاسخگویی و کنترل و تقلیل خطر فساد می‌کند. بهره‌گیری جرم‌شناسی مدیریتی از راهبرد سنجش‌محوری، این نتیجه را در پی دارد که مفسدان اداری از حیث میزان خطرناکی و درجه احتمال ارتکاب یا تکرار فساد، در سطوح متفاوتی قرار دارند. نتیجه منطقی این سنجش، چنین خواهد بود که سیاست‌های کنترل و مقابله با فساد در نظام اداری می‌تواند دوگانه، گزینشی و مبتنی بر میزان خطرناکی مفسدان باشد. سخت‌گیری و عدم تسامح درمقابل مفسدان ویژه و پرخطر و از سوی دیگر، تساهل و تدابیر کنترلی ملایم درمقابل مفسدان خرد، مورد تاکید و پیشنهاد جرم‌شناسی مدیریتی است. راهبردهای جرم‌شناسی مدیریتی به واکنش‌های کیفی و تدابیر سرکوب‌گری گزینشی درمقابل مفسدان محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل مدیریت غیرکیفری نیز می‌شود. این راهبردها یا جنبه پیشگیرانه و بازدارندگی دارند که از اساس، جلوی ارتکاب فساد را می‌گیرند یا آنکه درصورت ارتکاب فساد، کیفیت و میزان کشف آنها را بهتر و بیشتر می‌کنند. مطابق راهبرد غیرکیفری خنثی‌سازی محاسبه‌گری افراد، بزهکاران بالقوه فساد اداری، پیش از ارتکاب فساد با در نظر گرفتن احتمال کشف فساد؛ احتمال تعقیب و احتمال رسیدگی و محکومیت،

شدت و قطعیت مجازات را لحاظ می‌نمایند و با ارزیابی و سنجش هزینه-فایده ارتکاب فساد؛ چنانچه میزان احتمال کشف، تعقیب و محکومیت فساد اداری توسط کنشگران عدالت کیفری بالا باشد، از ارتکاب آن انصراف می‌دهد و بالعکس. یکی از راهبردهای افزایش هزینه ارتکاب جرم و خنثی‌سازی محاسبه‌گری افراد می‌تواند نهادسازی، تخصص‌گرایی و پیش‌بینی نهاد مستقل و تخصصی برای کشف و شناسایی موارد فساد در نظام اداری، همچنین تشویق و ترغیب افراد مطلع به گزارش‌دهی فساد و توسعه قلمروی الزام به گزارش‌گری فساد از مسئولان دولتی به شهروندان است.

پیشنهادهای

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته و به‌ویژه با در نظر گرفتن چالش‌های مطرح شده، پیشنهادها را زیر ارائه می‌گردد:

۱- کنترل عوامل تقویت‌کننده امنیت‌گرایی از طریق پیش‌بینی موازین و معیارهای تدوین قوانین ماهوی مقابله با فساد، توجه به موازین دادرسی عادلانه در فرایند کشف و رسیدگی به مفاسد اداری و تمهید سازوکار ارزیابی اثربخشی قوانین موجود جهت بازنگری، اصلاح و بهبود سطح کیفی قوانین.

۲- نظام‌مندسازی بازتاب رسانه‌ای موارد فساد در کشور از طریق آموزش اصحاب رسانه و تربیت خبرنگاران حقوقی دارای مهارت گزارش‌گری صحیح از فساد و نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با آن.

۳- ارزیابی برنامه‌های کنترل فساد در کشور از طریق ارزیابی عملکرد نهادهای متولی آن نظیر: نهادهای قضایی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و... براساس فرایند مدیریت خطر و ارزیابی هزینه-فایده.

۴- گفتمان‌سازی در میان سیاست‌گذاران و آشنایی آنان با نظریات علمی و جرم‌شناسی و تمهید سازوکارهای لازم برای ورود دستاوردهای علمی دانشگاهی به عرصه سیاست‌گذاری.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۶). حقوق اداری، تهران: انتشارات میزان.
۲. حبیبی، نادر (۱۳۸۵). فساد اداری: عوامل مؤثر و روشهای مبارزه، تهران: مؤسسه انتشاراتی فرهنگی وثقی.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹). لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. راب، واب؛ هنیز، فیونا (۱۳۸۶). درآمدی بر جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی و دیگران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. راغفر، حسین (۱۳۹۲). دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، تهران: نشر نقش و نگار.
۶. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ ۲۱، تهران: آوای نور.
۷. صبوری، منوچهر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمانها، بوروکراسی مدرن ایران، تهران: انتشارات سخن.
۸. طاهری، سمانه (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه، تهران: انتشارات میزان.
۹. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، مجمع‌البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۰. عبدایمان، سامان (۱۳۹۸). مراحل مدیریت ریسک پروژه براساس استاندارد PMBOK، دانشنامه آزاد مدیریت پروژه ایرانیان.
۱۱. عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۳). فساد اداری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۲. عباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۷۸). مسائلی در مدیریت دولتی ایران، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۱۳. عباس‌پور، عباس (۱۳۸۴). مدیریت منابع انسانی پیشرفته (رویکردها، فرآیندها و کارکرد)، تهران: سمت.
۱۴. فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹). جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، تهران: میزان.
۱۵. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۰). تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مرکز جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۱۶. کسن، موريس (۱۳۸۵). اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صديق، چ دوم، تهران: دادگستر.

۱۷. گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. گراهام، جان، بی تا (۱۳۷۷). استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران
۱۹. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). حقوق اداری، تهران: میزان.
۲۰. معین، محمد، (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۲۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). مختصر جرم‌شناسی (تقریرات)، تدوین مجتبی جعفری.
۲۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۳. نجفی، محمد حسین (۱۴۱۶ق). اصل الشیعه و اصولها، بیروت، مؤسسه العلمی المطبوعات.
۲۴. هارلند، دیوید، (۱۳۸۳). پاسخ‌های انطباقی مدرنیزم کیفری، ترجمه محمد فرجیها، در مجموعه مقالات علوم قضایی، تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: سمت.

مقالات

۲۵. براهیمی، شهرام؛ آتشیگاه، حامدصفائی (۱۳۹۷). «رویکرد قانونگذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۶، ش ۱۲، ۷-۳۱.
۲۶. اسدی، علی (۱۳۶۹). «جامعه‌شناسی و توسعه»، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۴، ش ۱، ۶۸-۵۱.
۲۷. امیری، مجتبی؛ نرگسیان، عباس و الناز بحری رودپشتی (۱۳۹۴). «سنجش سلامت و فساد اداری در شهرداری تهران»، مطالعات رفتار سازمانی، دوره ۴، ش ۴، ۹۶-۶۵.
۲۸. افراسیابی، علی؛ علایی، حسین (۱۳۹۸). «استقلال نهاد کشف جرم در نظام رسیدگی کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و یکم؛ شماره ۳.
۲۹. بابایی، محمدعلی؛ وزیر زنجانی، حمیدرضا (۱۳۸۵). «مدیریت ریسک، رویکردی نوین برای ارتقای اثربخشی سازمان‌ها»، فصلنامه تدبیر، شماره ۱۷۰.

۳۰. تانزی، ویتو (۱۳۸۱). «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.
۳۱. حیدری، آرمان؛ احمدی، سیروس؛ زارعی، معصومه (۱۳۹۷). «رابطه سلامت اداری و نهادینگی سازمان با اعتماد نهادی»، دو فصلنامه علمی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، ش ۱۲، ۲۶۸-۲۴۷.
۳۲. درویش نوری کلاکی، نسرین؛ عارف‌نیا، طیبیه و طاهره سلیمی (۱۴۰۰). «چالش‌های رانت و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی با رویکردی به آراء امام خمینی»، فصلنامه علمی ره‌یافت انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۱، ۱۴۲-۱۲۵.
۳۳. درودی، هما؛ آب‌چر، بهجت (۱۳۹۷). «نقش دینداری در ارتقای سلامت نظام اداری»، فصلنامه علمی - تخصصی معارف فقه علوی، دوره ۴، ش ۱.
۳۴. رجایی، زهرا و همکاران (۱۳۹۶). «زیرساخت‌های ختم‌شی‌گذاری موثر در حیطه سلامت نظام اداری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۳۵. شیخی، محمدحسین (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره ۲.
۳۶. قادری، مهدی (۱۳۸۸). «فساد اداری در ایران؛ تحلیلی جامعه‌شناختی»، نشریه علمی - ترویجی معرفت، شماره ۱۳۸.
۳۷. ماری، فیلیپ (۱۳۸۳). کیفر مدیریت خطرها به سوی عدالت محاسبه‌گر، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده؛ مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). «سلامت اداری و راههای مبارزه با فساد اداری»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۹، ۱۲-۵.
۳۹. نوذری فردوسی، محمد؛ زارع کار، خیرخواه؛ عبداللهی، حامد؛ عبداللهی، سیدامید (۱۳۹۵). پیشگیری واعی از فساد اداری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نشریه مطالعات علوم سیاسی: حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۱ و ۳.
۴۰. نجومی، پریا؛ کاکابرایی، کیوان؛ امیری، حسن؛ چهری، آزیتا (۱۳۹۹). ارائه مدلی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر بازدارندگی فساد اداری (بررسی مؤلفه‌های اعتماد و سلامت سازمانی)، کرج: کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام.

پایان نامه

۴۱. جلالی، عبا (۱۳۸۳). عدالت آماری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق.

منابع انگلیسی

۴۲. Blumstein, Alfered; Cohen, Jacqueline; Roth, Jeffery A.; Visher, Christy A., (۱۹۸۶) "Criminal Careers and Career Criminals", National Academy Press, Vol. ۱.,
۴۳. Hopkin, Paul, (۲۰۱۰), Fundamentals of Risk Management, the Institute of Risk Management, USA.
۴۴. Hedstorm, peter and etc, ۲۰۰۴, Rational choice and sociology, the new palgrave dictionary of economy.
۴۵. Fu, X, (۲۰۱۴), On Rational Response of Criminal Law to a Risk Society", Canadian Social Science, vol. ۱۰.
۴۶. Hirschi, Travis and Michael R Gottfredson, (۱۹۹۰), A General Theory of Crime (Stanford: Stanford University Press.
۴۷. PMI, (۲۰۰۰), A Guide to the Project Management Body of Knowledge, Project Management Institute Inc, USA.
۴۸. Pritchard, Carl, ۲۰۰۱, Risk Management Concepts & Guidance, ESI International, USA, ۲۰۰۱.
۴۹. Simon, J, (۲۰۰۱), Entitlement to Cruelty: Neo-liberalism and the Punitive Mentality in the United States", In: Stenson, Kevin; Sullivan, R (eds.), Crime, Risk and Justice.
۵۰. Latour, Bruno (۲۰۰۲), Gabriel Tarde and the end of the social, In: Joyce P (ed.) The Social in Question. New Bearings in History and the Social Sciences, London and New York: Routledge, pp. ۱۱۷-۱۳۲.
۵۱. Muncie, John, (۲۰۰۴), Youth and Crime, London, UK (SAGE Publications)